

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مومنون (جله چهارم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۴/۱۱/۹۴

در ابتدای جلسه یک صلوات عنایت بفرمائید. برای این که ان شاء الله خداوند توفیق بدهد از ایام این ماه به نحو احسن استفاده کنیم صلوات بفرستید. از جلسه قبل بحث مان روی سوره مبارکه مومنون بود. خداوند ان شاء الله همه ما را اهل عمل صالح نماید به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

### صفات برای همه عمر

بحث سوره مبارکه مومنون، صفات مومنانه است، اما صفاتی که در اینجا ذکر می شود یک خصوصیتی دارد. به نظر این خصوصیت برای کسانی که منظومه رشد کار می کنند یا در بحث رشد فعالیت می کنند، مهم هست.

اتفاقا می خواهیم راجع به همین موضوع، که دوستان سر و صدایش را در آورده اند صحبت کنیم.

یکی از مهم ترین مسائلی که خود انسان تجربه می کند این است که متوجه می شود صفات در سنین مختلف تغییر می کنند یعنی شما به وضوح می بینید اقتضائاتی که مثلا در دوره کودکی دارد در دوره نوجوانی اش ندارد و بعد وقتی به سنین جوانی رسید یا میانسال شد آن اقتضائات فرق می کند، حتی صفاتش در آن سن فرق می کند، نیازهایش فرق می کند. غذایی که لازم دارد، غذای معنوی اش فرق می کند، غذای مادی اش فرق می کند اما انسان یک علامت سوالی برایش مطرح می شود که در هر دوره ای آن چیزی که به عنوان رزق و طعام لازم است به او داده شود، چیست؟

به خاطر همین، نظام های آموزش و پرورش می آیند دوره بندی می کنند: پیش از دبستان، دبستان، راهنمایی و غیره. به همین ترتیب می آیند نظامات تولید می کنند. مسلما کتاب فیزیکی که شما در دبیرستان خواندید در دوره ابتدایی ممکن نبود آن را به شما آموزش بدهند چون یک سری آموزش های اولیه باید داده می شد تا آنها فهمیده شوند. خیلی مهم است که در چه دوره ای چه آموزش هایی باید داده شود، این موضوع، بحث مهم آموزش و پرورش در دنیا است. در حال حاضر بعضی از کشورها حتی کم کم این مطالب را استخراج کردند که در چه سنی این موارد

باید آموزش داده شود منتها در کشور خودمان هم همین کار را انجام می‌دهند اما آن‌که چقدر از این موارد دقیق است، این بحث دیگری است. ولی به هر حال ما می‌دانیم که به طور مثال در هفت سال اول تفکر انتزاعی کودک راه نیفتاده است پس نباید از انتزاعیات با او صحبت کنیم، باید از مسائل عینی صحبت کرد. در هفت سال دوم به تدریج تفکر انتزاعی راه می‌افتد پس باید راجع به این موضوعات صحبت شود و همین‌طور مسائل علوم و اجتماع و مسائل دیگر.

این نکته برای کسانی که منظومه رشد کار می‌کنند و مورد مشورت هستند مهم است.

اگر کسی پرسد؛ آیا صفتهایی وجود دارد که از همان هفت سال اول برای فرد مهم باشد؟ (یک صفت هم بیشتر نباشد یعنی یک صفت تغییر کند.) مثلاً فرض بگیرید حسد، بخل و امثال این‌ها برای هفت سال اول مطرح نیست چون آن کاری که بچه انجام می‌دهد اسم آن حسد نیست، بخل نیست. آیا می‌شود ما دست بگذاریم روی یک سری صفتهایی که از همان کودکی برای افراد مهم باشد و در سنین مختلف همان صفات بخواهد محکم بشود و استحکام پیدا کند. آیا می‌شود یا نه؟

به نظر آیاتی که این‌جا می‌خوانیم، صفاتی هستند که از همان زمانی که مفاهیم آموزشی برای فرد طرح می‌شود، قابل طرح است.

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲)

همه بچه‌ها نسبت به نماز واکنش مثبت نشان می‌دهند و اگر یک جایی نماز برپا شود یا ساکت می‌شوند یا هماهنگ می‌شوند. تقریباً شما بچه‌ای را ندیده‌اید که نسبت به نماز خواندن بی‌تفاوت باشد. این به آن دلیل است که یک عنصر فطری در فرد هست به نام پرستش که فرد را وادار می‌کند به این‌که وقتی یک عملیات خاشعانه‌ای یا خاضعانه‌ای اتفاق می‌افتد، تقلید کند. درست است که فرزند تقلید می‌کند ولی خود آن حس تقلیدش بسیار مهم است. پس یکی از صفاتی که از کودکی در انسان پدیدار می‌شود و می‌توان برایش برنامه آموزشی طراحی کرد بحث نماز است. از همان هفت سال اول می‌شود برای آن برنامه آموزشی طراحی کرد.

**سوال:** اول این‌که بحث نماز در همه بسترها برای بچه نمود دارد یعنی از همان دوران جنینی به صدای اذان واکنش دارد سوال این است که نماز خودش صفت می‌شود؟

- خیر، آن خشوع یا خضوع یا صفت پرستش است که فعال می‌شود و این فرد دقتش به آن جلب می‌شود یعنی ممکن است فرد مدتی در یک مکانی باشد که عبادت دیگری غیر از نماز انجام دهد حتی بت پرستی کند. او نسبت

به پرستش بت همان حسی را دارد که نسبت به نماز دارد. زیرا او که نمی‌داند خدا کیست، بلکه فقط احساس تعظیم برایش مهم است یا اینکه فقط یک جایی بایستد و یک عظمتی را بستايد و این میل به عبودیت است.

این صفاتی که در این جا ذکر می‌شود از یک منظری در هفت سال اول شاخص است، در هفت سال دوم از یک منظر دیگری شاخص است تا برسد به بالا و خیلی مهم است که ما بتوانیم این چند آیه‌ای که این جا بیان شده را ویژگی‌های مولفه‌ای و یا شاخصه‌ای‌شان را تشخیص دهیم و خودمان را با آن‌ها ارزیابی کنیم؛ یعنی اگر به یک نفر گفتند نماز مقلدانه است این یعنی نمازش در هفت سال اول مانده و رشد نکرده است. نمازهای هفت سال اول با هفت سال دوم فرق دارد. یا اگر کسی گفت من نمازم اکراهانه است یعنی در هفت سال دوم مانده و به زور نماز می‌خواند چون نوعاً نماز در هفت سال دوم با رغبت صورت نمی‌گیرد بلکه با چاشنی تشویق همراه است یعنی خودش یا پدر و مادرش باید سببش را چرب کنند تا نماز را بخواند، آگه همین طوری به حال خودش باشد، ممکن است نخواند یا یک خط در میان بخواند. کسانی که نزدیک به بلوغ هستند برای نماز خواندن حتماً احتیاج به هل دادن دارند، در این سنین تفکر انتزاعی شروع می‌کند به فعال شدن و می‌گوید من برای چی باید نماز بخوانم؟ بعضی وقت‌ها خودش را به خواب می‌زند، بعضی وقت‌ها نمی‌خواند یا تند می‌خواند، بعضی وقت‌ها وضو نمی‌گیرد و نماز می‌خواند. بچه‌ها این مدلی هستند به خاطر پدر و مادرهایشان می‌خوانند. به خاطر همین خیلی‌ها نماز قضاهايشان مربوط به همین دوره است. اگر پرسیده شود تو چقدر نماز قضا داری؟ می‌گوید من در دو سال اول تکلیفم نمازهایم یک خط در میان بوده است. اغلب ادم‌ها این طوری هستند. این طبیعی است، یعنی یک امر عجیبی نیست. عجیب این هست که این فرد وقتی ۱۷-۱۸ سالش هم شد نمازش همین گونه باشد. آن عجیب نیست ولی این که نماز همین حالت بماند عجیب است!

حالا هر کدام از این مولفه‌ها در هفت سال‌های مختلف شأن‌شان متفاوت می‌شود و به نظر بنده مهم است که ما ببینیم در هر سنی مثلاً سن ۱۷-۱۸ سال نمازش به چه صورت است، در سن ۲۰-۲۵ سال نمازش چه گونه است؟ سن ۳۰ سال نمازش چه مدلی است؟

البته ما نوعاً وقتی این موارد را احصا می‌کنیم به دلیل این که در افراد بیشتر از سن ۲۰ سال رشد دیده نمی‌شود، نماز مان خیلی بالاتر نمی‌آید، تا متوجه شویم این نماز به چه صورتی هستند؟

**سوال:** خشوع را فقط در نماز تعریف می‌کنید؟ مثلاً من می‌گویم شاید در هفت سال اول این حس را نسبت به پدر و مادر، به خصوص مادر داشته باشد، چون شما خشوع را اینجور تعریف کردید که به معنی تمرکز است این تمرکز در نماز یعنی این که متوجه آن فرد در نماز باشیم. متوجه خدا باشیم که حواسمان پرت نشود. این را شما فقط در نماز می‌بینید یا خیر؟ می‌شود گفت که در مقابل والدین این گونه است؟

- خیر، در نماز است. خشوع والدین روی بچه‌ها خیلی اثر می‌گذارد. یعنی هرچه نماز با خشوع‌تر باشد، توجه فرزندان ناخودآگاه بیشتر می‌شود. حس معنوی دارند، حس عاطفی دارند. چون احساس می‌کند که این پدر و مادر با این عظمت‌شان مقهور یک عظمت دیگر هستند. برایش جالب است و این را در ذهنش یا در صحیفه جانش ضبط می‌کند. تمام این تصویرها را در وجود خودش ثبت می‌کند. لذا پدر و مادرهایی که نمازهای زیبایی دارند نماز بچه‌هایشان قشنگ می‌شود. ولی اگر نماز قشنگ نبیند طبیعتاً نماز قشنگ ندیده است!

پس بحث اول‌مان راجع به نماز است. نماز یک پیشرفتی دارد، هم خود صفت نماز پیشرفت دارد و هم در سنین مختلف بازتاب‌های مختلفی دارد که ما می‌توانیم آن را به عنوان یک الگو قرار دهیم، این یک الگوی تربیتی است. حتی در دبستان یا راهنمایی می‌توان معیار رشد را روی نماز گذاشت. البته بعضی افراد فکر می‌کنند وقتی بحث نماز را مطرح می‌کنیم بحث را دینی مطرح می‌کنیم. خیر! نماز یک مولفه فطری است نه یک مولفه دینی. یعنی اگر این‌جا در شاخصه‌های آموزش و پرورش آورده‌ایم، به عنوان یک مولفه فطری مطرح کردیم نه دینی.

والذین هم عن الغو معرضون(۳)

صفت دومی که از هفت سال اول تا پایان عمر برای انسان وجود دارد بحث لغو است.

بحث لغو که خیلی هم مهم است؛ در هر سنی، لغو متناسب با همان سن است. لغو در هفت سال اول با هفت سال دوم و با هفت سال سوم متفاوت است. خیلی وقت‌ها اگر بچه‌ها یک کار خیلی شیک و عالی در دوره بچگی‌شان انجام دهند، کار لغو انجام داده‌اند.

بنده وقتی سنم کم بود، کتابی گیر آورده بودم به نام «رساله لقا الله» آقای ملکی. یک استاد داشتیم کتاب را که در دستم دید از من گرفت. گفت: این چیست که می‌خوانی؟ گفتم: کتاب است. کتاب خواندن چیز خوبی است. گفت: با این که کتاب خواندن خوب است ولی این کتاب را تو نباید بخوانی، تو الان باید بشینی کتاب داستان بخوانی.

اگر لغو در هر سنی شناسایی نشود انسان به تعارض‌های مختلفی مبتلا می‌شود. در یک سن کاری را می‌کند که نباید بکند ولو این که خیلی عاقلانه باشد. در سن هفت سال اول زمان آموزش نیست. آموزش‌هایی بالاخص زبان، آموزش الفبا، لغو است. شما وقتی که بچه ۴ ساله ۵ ساله را می‌برید کلاس آموزشی، دارید از والدینش جدا می‌کنید. در حقیقت فضای آموزشی بین او و والدینش حائل می‌شود، زیرا او باید در این سن ارتباطش با پدر و مادر تقویت شود. در هفت سال اول، اصل ارتباط است. ارتباط با پدر و مادر. خوب گوش بدهید. اصل بازی نیست. شما می‌گویید بچه‌هایمان باید بازی کنند. اصل ارتباط است. یعنی اگر یک کتاب کودک کسی چاپ کرد و شما خواستید بخرید، نباید بگویید بچه جان، برو بگرد هر کدام را دوست داشتی بردار. باید به پدر و مادر گفت هر کدام که

دوست داشتید برای بچه‌هایتان بخوانید را انتخاب کنید. اصل خود کتاب نیست. بلکه اصل ارتباط است. وقتی این اصل‌ها، گم می‌شود، جای لغو هم گم می‌شود. یعنی چه‌بسا خیلی از تعالیم در دوره هفت سال اول اتفاق می‌افتد که در اصل نباید بیفتد.

**سوال:** منظورتون از ارتباط چیست؟ یعنی چه که در بازی اصل ارتباط است؟

- ارتباط یعنی این که آدم با بچه‌اش حرف بزند. ببینید یک موقعی من لوگو گرفتم و وسیله گرفتم گذاشتم بچه‌ام بازی کند. بازی یعنی از سر باز کردن. بازی در هفت سال اول یعنی بذاره من به کارم برسم در صورتی که بازی یعنی ابزار سر و کله زدن پدر و مادر با بچه. این بازی است. یعنی یک بازی باید طراحی شود که الزاما پدر و مادر حالا تا یک حدی، نه از صبح تا شب، ولی غلبه باید بر بیشتر با پدر و مادر بودن باشد. یعنی وقتی به بچه می‌گویید روزت را چگونه سپری کردی؟ باید بگوید با بابا یا مامان. ولو اینکه یک ساعت، نیم ساعت باشه ولی در جواب این که امروزت رو چگونه سپری کردی؟ بگوید با مامان و بابا، نه اینکه بگوید من خودم رفتم تو اتاق بازی کردم و در را بستم، بعد تلویزیون دیدم بعد فلان جور شد و غیره. در همه این مسائل، تنها چیزی که نیست بابا و مامانه. خلاصه اینکه باباها که می‌روند سر کار با بچه‌هاشون کاری ندارند، از آن طرف هم مامان‌ها خسته می‌شوند از بچه‌هاشون.

**سوال:** بچه‌ها بیشتر از ما خسته می‌شوند!

- به خاطر اینکه با آن‌ها کار نمی‌کنید.

**سوال:** آخر حوصله مادرها هم اندازه‌ای دارد..

- اگر مادر زیاد با بچه‌هایش کار کند، بله آنها دیگر حوصله مادر را ندارند. اینجا نقش پدر مهم می‌شود. این که پدرها به خاطر مشغله‌هایشان دیر به خانه می‌روند کار اشتباهی است چون بالاخص در هفت سال اول بچه‌ها به شدت نیاز به پدر دارند. حالا ضرورت‌های اجتماعی، جهاد و... ممکن است یک سری عواملی باشد که پدر مجبور باشد در آن صحنه‌های اجتماعی فعالیت کند، به هر حال این بچه آسیب می‌بیند. باید به طوری جبران شود. اینکه چگونه جبران شود باید رفت و پرسید. روابط عاطفی و حسی در هفت سال اول شکل می‌گیرد و کارهایی که مخل این است حالا ممکن است تلویزیون باشد ممکن است برنامه‌های دیگری باشد اگر مخل روابط باشد لغو محسوب می‌شود.

**سوال:** چه آسیبی مترتب می‌شود؟ (سوال یک پدر)

- در این فرزند ایمان شکل نمی‌گیرد.

**سوال:** آیا ایمان از نوع ربطش؟

- ایمان به معنی ارتباط با خدا.

**سوال:** یعنی ربطش را با خدا نمی‌تواند پیدا کند؟

- بله. در هفت سال چهارم روابط اجتماعی اش ضعیف می‌شود، اختلال اجتماعی پیدا می‌کند. اضطراب، حالت عدم تعادل، سریعاً در مقابل مشکلات واکنش نشان می‌دهد، مقاومتش (صبرش) را از دست می‌دهد. استمرارش کم می‌شود.

حالا ما این‌ها را که می‌گوییم، وضعیت جامعه ما که خیلی بدتر از این حرفاست، الان باید گفت پدر و مادرها جلوی بچه‌هایشان دعوا نکنند. یا کتک کاری نکنند دیگه بازی کردن و اینها پیشکش. پدر و مادرها بگو مگو نکنند یعنی این فرزند در ذهنش از پدر و مادر یک شخصیت بگومگویی شکل نگیرد. غر غر کننده نباشد. که البته اینها فوق العاده مخرب است. در واقع اینجا می‌گوید «عن الغو معرضون».

**سوال:** اینکه فرمودید آموزش هفت سال اول ممنوع، هر آموزشی؟ مثلاً حتی آموزش قرآن؟

- نه! آموزش به شرط برقراری ارتباط خیلی خوبه، هر آموزشی.

**سوال:** الان حتی پدر و مادر بچه‌ها را واگذار می‌کنند به مؤسساتی که مهد قرآن هستند.

- به نظر من این ارتباط اگر شکل بگیرد یک قوه عاطفی در فرد ایجاد می‌شود، من اسمش را می‌گذارم «هوش معنوی». البته شاید جاهای دیگر هم اسمش را گذاشته باشند «هوش معنوی»، اما من ندیده‌ام. هوش معنوی خیلی نزدیک به هوش اجتماعی است. قدرتی را به فرد می‌دهد که بعداً هر آموزشی را می‌تواند روی خودش نصب کند. یعنی این که مردم غر می‌زنند فرزندشان قرآن یاد بگیرد زبان یاد بگیرد و کذا بشود این فرد خودجوش درونش این کار شکل می‌گیرد. اگر هم احیاناً آموزش خاصی اتفاق بیافتد باید به بهانه ارتباط پدر و مادر باشد.

**سوال:** بعضی خانواده‌ها آموزش زبان را در غالب خانواده انجام می‌دهند.

- اشکال ندارد. این خیلی خوب است.

**سوال:** استاد ببخشید در واقع بچه باید از اینکه مادرش بهش شعر رو یاد میده، لذت ببره حالا کنارش هم یه چیزی یاد بگیره؟

- بله.

## چگونگی ارتباط والدین با فرزندان:

هدف ایجاد ارتباط است، هدف آموزش نیست. به ویژه برای پسرها لمس کردن است مثل کشتی که از جنس ارتباط های لمسی خشن است. در هفت سال اول ارتباطات برای دختران باید از نوع ارتباطات نرم و برای پسران از نوع سخت باشد. برای دختران نوازش و پسران کشتی مطرح می شود. بلاخص از سوی پدران. این نوازش باید توسط جنس مخالف انجام شود، چون نوعا اثرش بیشتر است.

**سوال:** آیا تمام هدف از بازی و .. با کودک در این سن رسیدن به اصل ارتباط فرزند با والدین است؟

- بله.

هر چقدر بتوانیم ارتباطات سالم را در این سن آموزش بدهیم، کار لغوی انجام نشده است. تمام کارهایی که پدر و مادران انجام می دهند از جمله بردن به کلاس های مختلف و غیره اگر مسبب ارتباطات عمیق عاطفی در کودک نشود د در آینده باعث ایجاد نواقص زیاد در کودک می شود.

**سوال:** آیا در پایان هفت سال می توان متوجه شد که این اتفاق در آینده رخ می دهد یا خیر؟

- بله. در چهره های بچه ها آرامش و یا نا آرامی وجود دارد. بچه های نگران، بچه هایی هستند که صحنه های عاطفی پدر و مادر را کم دیده اند، چهره هایشان گرفته است و قبض دارد. اگر کمی چهره شناس باشید معلوم می شود که چقدر دعوا و بگو مگو در خانه وجود داشته است. بچه ها ستار العیوب نیستند! از لبخند بچه و غیره مشخص است. البته هر کسی یک ته چهره ای دارد و نمی توان قضاوت کرد اما با احتساب آن ته چهره، تغییر می کند.

**سوال:** از ارتباط با کودکان دیگر هم می توان متوجه شد؟

- بله اما ممکن است آن ارتباط تابع شرایط دیگری باشد. مثلا فرض کنید بچه ای استعدادش لجبازی و ناسازگاری است و از ناسازگار بودن بچه ها نمی توان چیزی را متوجه شد. مثلا زمانی که بچه ها با هم برای وسایل خود دعوا می کنند، چیز عجیبی نیست و نشانه خاصی نیست. اما برخوردهایش با پدر و مادر و نوع نگاهشان خیلی مهم است. غربی ها به بچه ها می گویند نقاشی کنید یعنی از نقاشی و تصویرگری استفاده می کنند. آنها به این نتیجه رسیده اند که

تصویر بچه می‌تواند نماینده آن چیزی باشد که در دلش هست.

**سوال:** رابطه را باید پدر و مادر مدیریت کنند یا بچه؟

- رابطه را نباید بچه مدیریت کند چون پدر و مادر منفعل می‌شوند و دیگر نمی‌توان از عهده او برآمد. اگر بچه به دلیل استعداد بالای خود و کم‌حوصله‌گی والدین از پدر و مادر پیشی بگیرد، پدر و مادر باید خم بشوند و تا آخر عمر به بچه‌ها کولی بدهند و همیشه آنها یک قدم جلوتر هستند. یعنی آنها هستند که می‌گویند ما را پارک ببر، فلان کار را بکن، تلویزیون را روشن کن و غیره و آنها هستند که می‌گویند چطور ما را تربیت کن و تا هفده، هجده سال و ...

اگر از کودکی بچه‌ها در مدیریت تربیت، پیشی بگیرند، همیشه و در بقیه مراحل هم جلوتر خواهند بود. قبل از اینکه او بگوید برویم پارک بگوییم برویم پارک، قبل از اینکه بگوید تلویزیون ببینیم، شما بگویید نمی‌خواهی تلویزیون ببینی. قبل از اینکه او بگوید با من بازی کن، نمی‌خواهی بازی کنی، قبل از اینکه بگوید خسته شدم، نمی‌خواهی بگویی خسته‌ام.

البته بچه‌ها چون تیزهوش هستند آدم کم می‌آورد، باید کشتی گرفت تا پیشی نگیرند.

**سوال:** آیا پدر و مادر می‌توانند نقش یکدیگر را بازی کنند؟

- بله. اما وقتی مرد و زن نمی‌توانند نقش خود را بازی کنند چگونه می‌توانند نقش دیگری را بازی کنند. فرد باید بتواند از عهده نقش خود بر بیاید تا بتواند نقش دیگری را بازی کند. اگر نقش خود را توانست بازی کند می‌تواند نقش دیگری را هم بازی کند.

وقتی می‌بینیم همسرمان زن یا مرد نقش خود را خوب بازی نمی‌کند ما می‌خواهیم نقش او را بازی کنیم، بدون اینکه نقش خودمان را بازی کرده باشیم و این اختلال ایجاد می‌کند. در واقع زن، مرد می‌شود بدون اینکه زن بودنش را اثبات کند و مرد، زن می‌شود بدون آنکه مرد بودنش را اثبات کند و این اختلال ایجاد می‌کند.



## حالا چرا ما به سراغ این بحث رفته ایم؟

ما می دانیم انسان سنی دارد و در هر سنی اقتضایی دارد، تربیت در هر دوره ای یک حالی دارد و روی مولفه های خاصی سوار می شود. و شگردی که استفاده شده است این است که یکسری مولفه ها را در ابتدا معرفی کرده است. این مولفه ها از هفت سال اول تا آخر عمر کارایی دارد. هم به عنوان شاخص و نشانه معرفی شده است و می توان روی اینها خوب کار کرد و می شود هفت تا هشت عامل را که به صورت پیوسته از ابتدای زندگی انسان می تواند او را متحول کند و شاخص و نشانه باشد در این آیات دید.

اول: بحث نماز است.

دوم بحث لغو است.

اینها فقط به عنوان نمونه است برای اینکه سوره فکری برای کار باشد.

بحث غرایز و مسائل جنسی است که از همان کودکی برای افراد مطرح است به همین دلیل از یک سنی باید بچه ها را جدا کرد.

می توان اینها را به صورت ارکان در نظر گرفت.

سوال: برخی از بچه ها در چارچوب برنامه مدیریت شده والدین قرار نمی گیرند و برنامه را به هم می زنند اما برخی منعطف هستند.

- باید برنامه های مشترک ریخت تا به هم نزدیکشان کرد و از هر دو برای دیگری استفاده کرد، یک کاری کرد که اینها به هم مشغول شوند.

اتفاقا اگر دو تا بچه کنار هم باشند امکان اینکه هر یک ابزار تربیت دیگری باشد بیشتر است تا اینکه تک فرزند باشد. اگر سه تا باشد که خیلی بهتر است و چهار تا بهتر. یعنی هر چقدر که تعدادشان بیشتر باشد ضریب موفقیت بیشتر است.

البته به شناخت مادر برمی گردد. حتی اگر دعوا کنند و یکدیگر را بزنند بعضی وقتها لازم است و اشکال ندارد، اگر روی مدیریت باشد اشکال ندارد. زیرا خوب نیست بچه لوس باشد و خوب است کتک کاری کنند.

## تنبيه در هفت سال اول:

اگر تنبيه منجر به نزديك شدن فرزند به پدر و مادر می شود خیلی هم خوب است، می شود تنبيه را طوری طراحی کرد که بهانه ارتباط شود. البته وقتی بچه دار می شويم خلاقیت هم شکوفا می شود و باید تعريف کنیم و بدانیم اینجا محل خلاقیت است. بچه يك سوژه فکر است که مدام با تغییر سن بایستی ابزار و تکنیک ها را تغییر داد. هر روز صبح که بچه بیدار می شود روی دنده دیگر است، و مشخص نیست چرا؟ بچه ها دوره هایشان سریع تغییر می کند. نرم افزارتان را تغییر بدهید.

و البته بسیاری از موارد، آموزش دادنی و آموزش دیدنی است و باید یکسری از افراد که از الهام و استعداد الهی برخوردار هستند و می توانند با بچه ها به خوبی تعامل داشته باشند، تجربه هایشان را در اختیار بقیه قرار بدهند تا دیگران نیز یاد بگیرند. راه های تعامل با بچه ها را یاد بگیرند. بچه ها هر قدر اهل لجبازی باشند، تربیتشان سخت تر است اما نتیجه بهتری می دهد. ایجاد تفکر در آنها سریع تر است. آن بچه ای که ساکت است باید ابتدا لجبازی را در او تحریک کرد و سپس تفکر را فعال کرد. باید کاری کرد تا لج او در بیاید تا تفکرش فعال شود. اما بچه هایی که خودشان لجباز هستند دیگر احتیاج به این کار نیست. در بعضی بچه ها نیز دُز لجبازی بیشتر است. در روانشناسی جدید می گویند بیش فعالی! که در بسیاری از موارد اشتباه می کنند. نام آن بیش فعالی نیست در واقع کمبود تفکر نیست بلکه ناشی از زیادی تفکر در آن سن است. این پدر و مادر باید آموزش ببینند و خلاقیت بیشتری را به کار ببرند تا بتوانند با بچه به اصطلاح بیش فعال به درستی رفتار کنند. اینگونه بچه ها را نباید به دکتر برد، بلکه پدر و مادر باید به دکتر مراجعه کنند. آنان باید بتوانند بر اساس یک فرمول بیش فعالانه ای بچه را مدیریت کنند.

**سوال:** جدا کردن بچه ها از پدر و مادر از چه زمانی است؟

- از اولین زمان ممکن، حتی از وقت شیر دادن، یعنی از همان زمانی که امکانش هست به نظر جدا شود بهتر است. بعضی ها البته حساسیت و ترس دارند نسبت به بچه ها و برای همه یکسان نیست، آنها هم باید تلاش کنند اما فشار نیاورند، در واقع تربیت بچه ها با زور و فشار امکان پذیر نیست. شما نمی توانید بچه تان را به زور در يك جایی قرار

بدهید و به او سر هم نزنید. ممکن است بچه‌ای باشد که خیلی حساس باشد، بعضی بچه‌ها حساس و عاطفی هستند و این مراتب باید به تدریج و آهسته انجام شود تا به مسائل عاطفی‌شان لطمه‌ای وارد نشود. البته متخصصین باید نظر بدهند و البته بعضی موارد را باید تجربه کرد. ما قوانین را از چند روایت استخراج کرده‌ایم اما بقیه مباحث در بحث تجربه و مسائل دیگری می‌رود. خیلی‌ها را باید مدل‌سازی کرد.

**سوال:** بازی بچه‌ها با همسالان در حضور پدر و مادر در رشد موثر است؟

- خیلی خوب است. خیلی اجتماعی می‌شوند اما باید حتماً حس پدر و مادر را داشته باشند.

گول ظاهر بچه‌ها را نباید خورد خیلی وقت‌ها خیلی چیزها را می‌گویند و کافی است شما کمی آنها را رها کنید، بلافاصله شروع به ناسازگاری می‌کنند.

حال ممکن است زمانی پیش بیاید که مهد کودک‌هایی ایجاد شود که به صورت سه بعدی عکس پدر و مادر را ضبط کنند. (برای مثال) منظور این است که وقتی منات کلی را یاد بگیریم می‌توان برای آن برنامه‌ریزی کرد. ما نمی‌گوییم مهد مطلقاً ممنوع، بلکه این بچه باید وابسته به والدین باشد، حال ممکن است بچه را از مهد که می‌برد تا زمانی که می‌خواهاند او را به خود بچسبانند.

### **در توضیح تجربه یکی از حاضرین در ارتباط با کودکان:**

مهمترین کار این است که پدر و مادرها مدت زمان گفتگو با بچه‌ها را افزایش بدهند و از سه چهار دقیقه به ده و بیست دقیقه برسانند. اینکه شما با توجه به یک موضوع بتوانید حالت‌های مختلف به آن بدهید تا بچه شروع کند به حرف زدن و دیالوگ گفتن و به جای پنج دقیقه حرف زدن، تا بچه می‌خواهد کوتاه بیاید یک سوال دیگر پرسید، به این می‌گویند جدل. که به شدت در هفت سال اول روی تفکر کودک اثر گذار است. بلافاصله دیالوگ را تغییر داد با خودمان مسابقه بگذاریم مثلاً امروز ۵ دقیقه توانستم صحبت کنم، فردا ۷ دقیقه و غیره و هدفی ندارد و تنها باید حرف زد و دلیلش هم این است که همین دیالوگ ساده در هفت سال دوم و سوم تبدیل به مباحثه علمی می‌شود و اگر نتوان در هفت سال اول این موضوع را پیاده کرد تقریباً ممکن نیست در هفت سال دوم و سوم با بچه‌ها مباحث

علمی و گفتگو داشته باشیم و این خیلی مهم است و اگر من الان با دخترم بخوام صحبت کنم نهایت ده دقیقه می‌توانم صحبت کنم چون در زمانی که باید طولانی مکالمه می‌کردم، نکردم. در صورتی که اگر الان یک ربع حرف بزنم در زمان بلوغ دو ساعت می‌توانم صحبت کنم و اگر یک موقعی نماز نخواند از او می‌پرسم چرا نماز نمی‌خواند. او دلایل خودش را می‌گوید و می‌توانیم با او حرف بزنیم و در دو دقیقه اول به جنگ و خونریزی ختم نمی‌شود.

الان اگر پدر و مادرها بخواهند با بچه‌های سیزده، چهارده ساله‌شان صحبت کنند، دو دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد که صدای قابلمه و کفش و غیره به گوش می‌رسد و شروع می‌کنند به فریاد زدن. دلیل آن این است؛ در زمانی که باید این مسئله را تمرین می‌کرده است این کار را انجام نداده است.

**سوال:** این موضوع چگونه باید شروع شود؟

- اول کار همین که فقط مادر صحبت کند کافی است اما بعد از اینکه کودک تکلم را آموخت باید جواب هم بدهد.

هدف و محتوای صحبت مهم نیست و تنها همین که اختلاط کنید کافی است. مثلاً حالا که این شد، بعد از آن چه می‌شود...

در واقع همان اختلالی که ما در مباحث سیاسی و اقتصادی و غیره می‌کنیم باید در هفت سال اول با بچه‌ها باشد و گرنه وقتی در مهمانی‌ها این صحبت‌ها را انجام دهیم غیر از وزر و وبال آخرتی چیز دیگری بر ایمان نخواهد داشت.

**سوال:** نحوه صحبت ما ادبیات خاص به بچه منتقل نمی‌کند؟

- بچه فقط ارتباط را می‌فهمد و شما نوعاً حرف‌های خوب می‌زنید چون می‌خواهید بگویید این اینطور است و .. عزیزم، جانم..

زیرا متن بحث دعوا نیست، متن ارتباط است و به طور طبیعی کلمات هم خوب است.

**سوال:** سیر زمان گذاشتن برای گفتگو با کودک نهایت دارد؟ یکسری از والدین یک دقیقه هم صحبت نمی کنند و این فرد تمرین می کند و ارتقا می دهد و یکسری از والدین یک ساعت با کودک خود صحبت می کند، آیا این فرد هم تمرین کند و ارتقا بدهد؟ و همین طوری ارتباط بیشتر شود؟

- بله.

**سوال:** مولفه ها در هر هفت سال را چطور استخراج کنیم؟

- روش آن را هفته بعد می گوئیم. یعنی اینکه چگونه می توانیم ما بفهمیم یک مولفه ضرب در مولفه دیگر می شود در جلسات بعد می گوئیم. در این مولفه ها ضرب انجام می شود و یکسری صفات دارد که آن صفات غلبه پیدا می کند و ضرب می شود. به این دلیل که این مولفه ها در بین خانواده مومن و غیر مومن تفاوتی ندارد و امری است که در همه عالم اینگونه است. بچه ها نسبت به عبادت (هر عبادتی، حتی اگر شما بت پرست هم باشید) بچه ها نسبت به آن حس شکوه و عظمت دارند. جهان شمول بودن است.

**سوال:** شما فرمودید اگر مجبور نیستیم، بچه را مهد نگذاریم؟

- مهد کودک ضررهای زیادی دارد بخصوص قبل از چهار سال و به هیچ وجه توصیه نمی شود الا در حالت اضطرار. اما در مورد چهار سال به بعد وابسته به خود کودک است. اگر کودکی تفکر انتزاعی اش تقویت شود اشکال ندارد کم کم بعد از چهار سال به مهد برود. سن تفکر انتزاعی در حال حاضر تقریباً شش سال است، یعنی می توان گفت شش سال مرزی است که حتی می توان بچه ها را به اول ابتدایی فرستاد.

**سوال:** این بدان معنی است که خانم ها در هفت سال اول بچه ها، شاغل نباشند و یا شغل پاره وقت داشته باشند؟

- بهتر است که مادران شاغل نباشند و اگر شاغل بودند شغل شان طوری باشد که بچه شاغل بودن مادر را حس نکند

**سوال:** بچه هایی که از دو جنس مختلف هستند از چه زمانی باید اتاقشان را جدا کرد؟

- مهم جدا کردن اتاق نیست، زیرا ممکن است امکانش نباشد، اما باید فضای فیزیکی شان جدا باشد. اما الزامی به

جدا کردن اتاق نیست.

**سوال:** اگر بچه‌ها را در کلاس‌های آموزش مثل کلاس حفظ قرآن ثبت نام کنند و در این حفظ قرآن با بچه کلنجر بروند، و بچه حوصله این کلاس را نداشته باشد آیا اگر کودک بگوید نمی‌خواهم حفظ کنم باید ادامه داد؟

- پدر و مادر اشکال ندارد با بچه قرآن حفظ کنند و یا کلنجر بروند. اما اگر کودک علاقمند نیست نباید ادامه داد. در هفت سال اول هر کاری که موجب قطع ارتباط پدر و مادر با کودک شود لغو محسوب می‌شود. حتی اگر قرآن خواندن باشد. قرآن خواندن برای کسی که در اقتضات او نیست لغو محسوب می‌شود.

**سوال:** گاهی وقت‌ها که پدر زمان کافی ندارد پدر بزرگ بچه می‌تواند کمک کند؟

- نظر شخصی من این است که گاهی نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ از پدر و مادر بیشتر است.

**سوال:** بچه اگر پیش مادر باشد بهتر از هر جای دیگر است؟

- بله کنار مادر باشد بهتر است. اما گاهی، نقش مادر بزرگ و پدر بزرگ مانند پدر و مادر است و گاهی نقش‌شان حتی بیشتر است و خیلی بهتر است و گاهی باید پدر و مادر کاری بکنند که بچه‌ها کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ‌شان باشند. اما در صورتی که برای آنها زحمتی نداشته باشد. نه تنها بد نیست بلکه خیلی هم خوب است. بلاخص اگر پدر و مادر با طهارتی باشند اثرش بیشتر است. به نظر من اشکال ندارد و این نظر مخالف نظریه‌های روانشناسان است. با توجه به اینکه در روایات حکم محرمیت تعمیم داده می‌شود به نظر می‌رسد این حکم محرمیت، در بقیه احکام هم جریان پیدا می‌کند و تجربه هم همین را ثابت کرده است.

**سوال:** مصادیقی که می‌فرمایید مخرب هستند، چرا واژه لغو را به کار می‌برید؟

- وقتی می‌گوییم لغو، در واقع به طریق اولویت را شامل می‌شود. شما چیزی می‌گویید که به طریق اولویت را شامل می‌شود. یعنی وقتی که اثبات کردیم از لغو باید اعراض کنیم به طریق اولی باید اعراض شود. بنابراین ما این را به عنوان، حد مولفه‌ای شناخته‌ایم، اما این را هم شامل‌اش می‌کنیم.

**سوال:** بحث طهارت معنوی به چه دلیل مطرح می‌شود؟ پس ماهواره داشتن نشانه عدم طهارت است بنابراین ما

بچه‌هایمان را نزد والدینی که ماهواره دارند نگذاریم؟

- ممکن است پدر و مادری ماهواره داشته باشند اما انسان‌های معنوی هم باشند و نمی‌شود جمع کرد.

**سوال:** مثلا اگر بچه در خانه پدر و بزرگ مدام پای ماهواره بنشیند و کاری به کارش نداشته باشند چطور؟

- اشکال ندارد به نظرم، آن ربط اثرش بیشتر است و می توان این مسئله را آزمایش کرد. آزمایش اش اینگونه است که از بچه می پرسیم دوست داری بروی خانه مادر جون؟ بچه مشتاق است. پس باید جبران نواقص توسط پدر و مادر انجام شود. توجه کنید این ربط انجام می شود و در بزرگی، بچه فقط یک حس باشکوهی از فامیل دارد و ارحام برایش مهم است و حس خوبی نسبت به ارحام دارد و این را از پدر بزرگ و مادر بزرگ اش دارد. اما حس های دیگری به عهده پدر و مادر است و اشکال ندارد. جبران باقی مثال بر عهده پدر و مادر است.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات